

آخرین روایت خوش است

تماس تلفنی کوتاه بود؛ اما اضطراب در لحن صدا موج می زد. یکی از بانوان فعالان محدوده خیابان پنجن ۴۷ پشت خط بود. جمله هایش ناتمام می ماند و کلمات را با مکث ادا می کرد؛ انگار هنوز برای گفتن آنچه از دختر همسایه شان شنیده، مردد است.

حنیفه خانم قدیمی، ادامه روایت را این طور تعریف می کند: به من گفتند دختری به نام مرضیه، به دنبال پزشکی برای سقط جنین است. پرس و جو که کردم، دلیل این تصمیم آشکار شد؛ بارداری ناخواسته، دوران عقد و فشار نگاه ها و قضاوت های اطرافیان.

فرمانده پایگاه بسیج ولی عصر (عج) می گوید: می گفت هنوز زندگی مشترکشان آغاز نشده و حرف هایی که در میان فامیل شکل گرفته، او را به شدت زیر فشار قرار داده است؛ به همین خاطر مرضیه روزها و شب ها با این مسئله تنها مانده بود. بارها فکر کرده بود و به این نتیجه رسیده بود که ادامه این بارداری ممکن نیست. تصمیمی که پیش از آنکه از سر انتخاب باشد، حاصل ترس و ناامنی بود.

در همان ساعات اولیه، حنیفه خانم و دیگر فعالان فرهنگی، خود را به مرضیه رساندند و هم زمان موضوع را به مرکز مردمی «نفس» اطلاع دادند. مشاوران این مرکز هم دقیقاً با مرضیه تلفنی صحبت کردند تا او کمی آرام شد.

اما این آرامش، نیازمند پشتوانه ای عملی نیز بود. نبود چهریزه و شرایط ناپایدار زندگی، یکی از نگرانی های مهم مرضیه بود.

می گوید: همان جا به او اطمینان دادم که با کمک خیران، این مسئله را حل می کنیم.

موضوع به سرعت با خیران محله، امام جماعت مسجد، سپاه ناحیه میثم و دیگر گروه های مردمی در میان گذاشته شد. همراهی ها هم سریع آغاز شد و کمتر از یک هفته، تمام اقلام ضروری چهریزه عروس خانم، جفت و جور شد.

امروز، مرضیه زندگی تازه ای را تجربه می کند؛ در کنار همسرش، با دختری خردسال و پسری شیرین زبان.

زندگی ای که با همدلی شروع شد

سید علی، نوزده ساله بود و سومین سال دوران عقدش را پشت سر می گذاشت. کارگر ساده ای که تمام توانش را به کار گرفته بود تا بتواند حداقل های یک زندگی را فراهم کند. با همان دستمزد اندک، تنها موفق شده بود چند قلم کوچک از چهریزه را تهیه کند. آن سوی دیگر، پدر عروس خانم قرار داشت؛ سیدی سال خورده و نابینا که امکان کار کردن نداشت. از او هم کاری ساخته نبود. نمی توانست کمکی برای تأمین اقلام ضروری زندگی فرزندش داشته باشد. همین شرایط، آغاز زندگی مشترک این زوج جوان را به تأخیر انداخته و بلا تکلیف مانده بودند.

ماجرای به گوش حنیفه قدیمی و جمعی از اعضای مسجد و پایگاه محل رسید. بررسی ها و تحقیقات میدانی آغاز و خیلی زود مشخص شد که این زوج، از نیازمندان واقعی محله هستند؛ خانواده ای که بدون حمایت، امکان شروع زندگی زیر یک سقف را نداشتند.

حنیفه خانم روایت می کند: بعد از اطمینان از وضعیتشان، تصمیم گرفتیم هر چه زودتر اقلام ضروری زندگی را تهیه کنیم تا بتوانند زندگی مشترکشان را آغاز کنند. فهرست وسایل مورد نیاز تهیه شد و ارتباط با خیران هم شکل گرفت. خیلی زود وسایل اساسی زندگی این زوج هم جور شد.

اما آنچه این روایت را ماندگارتر می کند، صحنه ای است که قدیمی از آن به عنوان یکی از شیرین ترین خاطراتش یاد می کند: زمانی که نوبت تأمین مواد غذایی داخل یخچال این زوج رسید، موضوع را با خواهران بسیج و مسجد در میان گذاشتیم. هر کدام به اندازه توانشان چیزی آوردند؛ یکی سبزی، دیگری گوشت، لوبیاسبز و اقلام دیگر. این همدلی برای من بسیار دلنشین و فراموش نشدنی بود.

زندگی این زوج، با همان کمک های ساده زیر یک سقف آغاز شد. امروز، حاصل آن همراهی ها، خانواده ای است باد و پسر؛ خانواده ای که به گفته حنیفه قدیمی، مسیر زندگی اش به آرامی روی ریل افتاده و سامان گرفته است.

خیریه ای که از دل مسجد شکل گرفت

حجت الاسلام والمسلمین **فرهاد براتی**
امام جماعت سابق مسجد ولی عصر (عج)



حدود ۱۰ سال پیش، هم زمان با آغاز مسئولیت به عنوان امام جماعت مسجد ولی عصر (عج)، با خانم قدیمی که فرمانده بسیج خواهران بود، آشنا شدم. شرایط اقتصادی حاکم بر محله و مشکلاتی که خانواده های کم برخوردار با آن مواجه بودند، ما را به این جمع بندی رساند که باید

اقدامی هدفمند و ماندگار انجام شود.

بر همین اساس، تصمیم گرفتیم خیریه ای را با تمرکز بر تأمین چهریزه و سیسمونی برای خانواده های نیازمند راه اندازی کنیم. با توجه به سابقه فعالیت ها، روحیه مسئولیت پذیری و توان مدیریتی خانم قدیمی، مسئولیت این خیریه به ایشان واگذار شد.

در طول این سال ها، پیگیری مستمر و دلسوزی او نقش تعیین کننده ای در پیشبرد اهداف خیریه داشته است. خانم قدیمی بخش درخور توجهی از وقت و توان خود را وقف امور خیر کرده و بارها برای بررسی و تحقیق میدانی، حتی در روستاهای دور افتاده، همراه مجموعه حضور یافته است.

ثمره و نتایج اقدامات خیری که در این مدت رقم خورده، حاصل تلاش جمعی و همدلی اعضای خیریه و مجموعه مسجد ولی عصر (عج) بوده است؛ تلاش هایی که توانسته است بخشی از مشکلات خانواده های نیازمند را کاهش دهد و آغازگر زندگی های تازه ای باشد.

